

## بررسی اولویت درس تربیت‌بدنی در میان سایر دروس مقطع راهنمایی

کاظم هژبری<sup>۱\*</sup>، رحیم رضانی‌نژاد<sup>۲</sup>، مهرعلی همتی‌نژاد<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی، <sup>۲</sup> استاد دانشگاه گیلان، <sup>۳</sup> دانشیار دانشگاه گیلان

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۱/۲۲

تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۶/۲۵

### چکیده

**هدف:** هدف از پژوهش حاضر بررسی اولویت درس تربیت‌بدنی در میان سایر دروس مقطع راهنمایی بود. **روش‌شناسی:** جامعه آماری پژوهش کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر مدارس دولتی مقطع راهنمایی شهر رشت (۲۰۷۷۶ نفر) و والدین آنها بودند که ۴۰۰ نفر از دانش‌آموزان (۲۰۹ دختر و ۱۹۱ پسر) و به همین تعداد نیز از والدین به صورت تصادفی جزء نمونه پژوهش قرار گرفتند. ابتدا پرسشنامه محقق‌ساخته‌ای با هفتاد سؤال تنظیم شد که پس از مصاحبه و اعمال نظرات تخصصی ۱۰ نفر از استادان دانشگاهی و ۱۰ نفر از دبیران باتجربه تربیت‌بدنی به سی سؤال کاهش یافت و پایایی آن نیز با روش آلفای کرونباخ تأیید شد (۰/۷۵ =  $r$ ). تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون‌های فریدمن، یومن‌ویتنی و ویلکاکسون و آزمون همبستگی اسپیرمن در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ انجام گرفت.

**یافته‌ها:** نتایج نشان داد که از دیدگاه دانش‌آموزان و والدین درس تربیت‌بدنی در میان ده درس به‌ترتیب در اولویت‌های ششم و هفتم قرار داشت، البته این تفاوت معنی‌داری نبود. همچنین دانش‌آموزان پسر و دختر به‌ترتیب این درس را در اولویت چهارم و ششم قرار دادند و این تفاوت معنی‌دار بود. تفاوت جایگاه این درس در بین دانش‌آموزان پایه‌های مختلف نیز معنی‌دار نبود.

**نتیجه‌گیری:** جایگاه نسبتاً پایین درس تربیت‌بدنی از دیدگاه والدین و دانش‌آموزان دختر لزوم آرایه آگاهی‌ها، تشریح اهداف، برنامه‌ها و فواید درس تربیت‌بدنی برای والدین و فراهم آوردن محیطی راحت و لذت‌بخش، فارغ از تنش به‌همراه فعالیت‌هایی جالب و سرگرم‌کننده و متناسب با خواست و علائق دانش‌آموزان دختر را ضروری می‌سازد.

**واژه‌های کلیدی:** اولویت‌بندی دروس، انتخاب دانش‌آموز، موقعیت درس تربیت‌بدنی.

\* E-mail: Kazem\_hojabr@yahoo.com

## مقدمه

با وجود فواید بسیار فراوان درس تربیت‌بدنی، به نظر می‌رسد این درس جایگاه مناسبی در برنامه مدارس ندارد (هاردمن و مارشال<sup>۱</sup>، ۱۳۸۲). البته ممکن است عوامل مختلف ساختاری مانند محیط و امکانات مدرسه، راهبردهای یادگیری و آموزشی، زمان یا مدت تشکیل کلاس، محتوا و فعالیت‌های کلاس، معلم، رسانه‌ها، و عوامل فردی مانند لذت بردن، مفید دانستن درس، تأثیر والدین، درک فرد از توانایی خود یا خودکارآمدی، جنسیت و گروه دوستان در شکل‌گیری این جایگاه نقش داشته باشند. اگر چه در پژوهش‌های مختلفی جنبه‌های اساسی این درس مانند کمبود فضا و امکانات (اصلانخانی و همکاران، ۱۳۸۱؛ شعبانی‌بهار و همکاران، ۱۳۸۶؛ صانعی‌فرد و همکاران، ۱۳۸۶؛ خاوری و یوسفیان، ۱۳۸۷)، محتوا و آموزش (افضل‌پور و همکاران، ۱۳۸۶؛ انوشه، ۱۳۸۶؛ قاسم‌پور و رضوی، ۱۳۸۸)، ارزشیابی (شعبانی‌بهار و همکاران، ۱۳۸۶؛ قاسم‌پور و رضوی، ۱۳۸۸)، روش تدریس (صانعی‌فرد و همکاران، ۱۳۸۶؛ انوشه، ۱۳۸۶؛ قاسم‌پور و رضوی، ۱۳۸۸)، اهداف (رمضانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۱؛ رمضانی‌نژاد، ۱۳۸۵)، تخصص معلمان (رمضانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۲؛ شعبانی‌بهار و همکاران، ۱۳۸۶؛ افضل‌پور و همکاران، ۱۳۸۶) و لزوم کتاب درسی (اصلانخانی و همکاران، ۱۳۸۱؛ خاوری و یوسفیان، ۱۳۸۷) بررسی شده است، اما به جنبه‌های نرم‌افزاری و بُعد نگرشی این درس کمتر پرداخته شده است.

یافته‌های استوارت و همکاران<sup>۲</sup> (۱۹۹۱) نشان می‌دهد آگاهی از نگرش دانش‌آموزان نسبت به درس تربیت‌بدنی بسیار مهم است، چون می‌تواند به‌طور غیرمستقیم بر سیاست‌گذاری‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و رشد و توسعه برنامه تحصیلی مدرسه و تعهد آن‌ها به ادامه فعالیت‌های جسمانی حتی بعد از مدرسه مؤثر باشد. محققان نیز دریافته‌اند نادیده گرفتن نگرش، نظر و عقیده دانش‌آموزان، نگرانی‌های خاصی را در دروسی مانند تربیت‌بدنی ایجاد می‌کند که در آن ماهیت موضوع با علایق و فرهنگ دانش‌آموزان رابطه نزدیکی دارد (اداره استانداردهای آموزشی انگلستان، ۲۰۰۵). حتی در پژوهش‌های برخی محققان مانند اصلانخانی و همکاران (۱۳۸۱) که به بُعد نگرشی آزمودنی‌ها پرداخته‌اند، اولویت و جایگاه درس تربیت‌بدنی نسبت به سایر دروس واضح و روشن نیست. به‌طور کلی، مشخص نیست دانش‌آموزان و والدین چه اولویتی برای این درس در نظر می‌گیرند و چه دروسی در اولویت بالاتری نسبت به این درس قرار دارند. از این‌رو، یکی از راه‌های شناخت اهمیت درس تربیت‌بدنی، بررسی اولویت این درس در برنامه مدارس است.

اسماعیلی (۱۳۸۳) مشکل اساسی درس تربیت‌بدنی را نبود نگرش مثبت نسبت به این درس می‌داند. مرور پژوهش‌ها نیز نشان می‌دهد که دینفعان مختلف آموزشی، دیدگاه‌های متفاوت و گاه

1. Hardman & Marshal
2. Stewart et al.

متضادی نسبت به این درس دارند. نتایج پژوهش‌های کارلسون<sup>۱</sup> (۱۹۹۵) و اللهیبی<sup>۲</sup> (۲۰۰۸)، نشان نشان دادند که دانش‌آموزان درس تربیت‌بدنی را در جایگاه پایین‌تری نسبت به بقیه دروس قرار می‌دهند و معتقدند این درس اهمیت و ارزش چندانی در زندگی آن‌ها ندارد. در مقابل اصلانخانی و همکاران (۱۳۸۱)، انوشه (۱۳۸۶)، آزمون (۱۳۸۹)، کوکا و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۰۵) و سابرامانیام و سیلورمن<sup>۴</sup> (۲۰۰۷) نگرش آزمودنی‌ها را نسبت به درس تربیت‌بدنی مثبت ارزیابی کرده‌اند.

تانهیل و زاکراجسک<sup>۵</sup> در پژوهش خود نشان دادند که ۵۷ درصد از دانش‌آموزان دوره راهنمایی، تربیت‌بدنی را بخش مهمی از آموزش می‌دانند، در حالی که این درس برای ۴۳ درصد از آن‌ها اهمیتی نداشت و دانش‌آموزان این درس را موضوعی غیرشناختی می‌دانستند (به نقل از اللهیبی، ۲۰۰۸). کارلسون (۱۹۹۵) دریافت که دانش‌آموزان احساس می‌کنند این درس، نیازهایشان را در زندگی برآورده نمی‌کند و در نتیجه آن را ارزشمند تلقی نمی‌کنند. آن‌ها معتقد بودند این درس نمی‌تواند شانس آن‌ها را در کسب شغل یا ورود به دانشگاه تحت تأثیر قرار دهد. او مفهوم «بی‌معنایی» درس تربیت‌بدنی را از مهم‌ترین عوامل ایجاد نگرش منفی دانش‌آموزان محسوب می‌کند و تجارب این درس را فاقد ارتباط و چالش مناسب با آینده دانش‌آموزان می‌داند.

نتایج تحقیق هندلی و همکاران<sup>۶</sup> (۱۹۹۶) در جنوب ولز نشان داد علاقه دانش‌آموزان نسبت به دروس انگلیسی و بازی<sup>۸</sup> زیاد و نسبت به درس زبان خارجه، هم‌چنین دروسی که زمان کمتری را در برنامه درسی مدرسه به خود اختصاص داده بودند، مانند موسیقی و آموزش‌های مذهبی کمتر است. اللهیبی (۲۰۰۸) بیان می‌کند نه فقط برخی دانش‌آموزان درس تربیت‌بدنی را درس مهمی نمی‌دانند، بلکه آن را درسی خطرناک می‌دانند. در مقابل برخی دیگر از دانش‌آموزان این درس را دوست دارند و احساس می‌کنند تربیت‌بدنی می‌تواند به آن‌ها در انجام بعضی کارها مانند دوست پیدا کردن، انجام ورزش‌های مورد علاقه و سرگرم بودن کمک کند.

برخی از محققان نگرش دختران و پسران را نسبت به درس تربیت‌بدنی در سنین مختلف مقایسه کرده‌اند. سومینسکی و همکاران<sup>۹</sup> (۲۰۰۲) نشان دادند دانش‌آموزان پسر بیش از دانش‌آموزان دختر در فعالیت‌های جسمانی مشارکت می‌کنند (به نقل از فوزی، ۲۰۰۹). گورنا<sup>۱۰</sup>

1. Carlson
2. Al liheibi
3. Koca et al.
4. Subramaniam & Silverman
5. Tannehill & Zakrajsek
6. Meaningless
7. Hendley et al.
8. Game
9. Suminski et al.
10. Gorna

(۲۰۰۱) در بین دانش‌آموزان دبیرستانی، شروپ شایر<sup>۱</sup> (۱۹۹۷) در بین دانش‌آموزان ده تا یازده ساله دبستانی و کوکا و همکاران (۲۰۰۵) نشان دادند که علاقهٔ پسران پانزده ساله به درس تربیت‌بدنی و ورزش بیشتر از دختران است (به نقل از تومیک، ۲۰۰۸). کولی و کمبر<sup>۲</sup> (۲۰۰۳) در تحقیق خود روی دانش‌آموزان دختر و پسر سال هفتم و یازدهم در مدارس انگلستان نشان دادند درس تربیت‌بدنی به همراه دروس ریاضیات، تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات<sup>۳</sup> و تاریخ جزء دروس پسرانه به شمار می‌آیند و دروس تئاتر، انگلیسی، هنر و جغرافی جزء دروس دخترانه محسوب می‌شوند و این تفاوت جنسیتی در بین دانش‌آموزان سال یازدهم بیشتر مشاهده می‌شود. پژوهش‌های دیگری رابطهٔ سن و پایهٔ تحصیلی را با نگرش به تربیت‌بدنی بررسی کرده‌اند. مثلاً راین و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۰۳) نشان دادند دانش‌آموزان دورهٔ راهنمایی و دبیرستانی، نگرش مشابه و یکسانی نسبت به کلاس و معلم تربیت‌بدنی دارند. در مقابل ساب رامانیام و سیلورمن (۲۰۰۷) نشان دادند که با بالا رفتن پایهٔ تحصیلی، نگرش مثبت نسبت به فعالیت‌های جسمانی و درس تربیت‌بدنی کاهش می‌یابد. تومیک<sup>۵</sup> (۲۰۰۸) نگرش دانش‌آموزان کلاس اول دبیرستان را نسبت به دانش‌آموزان دانش‌آموزان سال آخر مثبت‌تر گزارش کرد. هم‌چنین آراباسی<sup>۶</sup> (۲۰۰۹) نشان داد دانش‌آموزان دورهٔ دورهٔ راهنمایی در مقایسه با دانش‌آموزان دبیرستانی نگرش مثبت‌تری نسبت به درس تربیت‌بدنی دارند.

در برخی از پژوهش‌ها، اولویت‌بندی و رتبهٔ دروس مدرسه و درس تربیت‌بدنی بررسی شده است. مثلاً در پژوهش اوبانیا<sup>۷</sup> (۱۹۷۷) دانش‌آموزان دورهٔ راهنمایی نیجریه‌ای در خلال سه سال، درس ادبیات انگلیسی را جزء اولین اولویت‌ها محسوب کردند و درس تربیت‌بدنی جزء دروسی بود که محبوبیت کمتری داشت. در پژوهش استابلز و ویکیلی<sup>۸</sup> (۱۹۹۷) در غرب انگلستان درس تربیت‌بدنی از جنبهٔ اهمیت در بین پسران اولویت ششم را به همراه دروس زبان فرانسه و هنر و در بین دختران اولویت نهم را از بین چهارده درس به خود اختصاص داده بود. در این پژوهش، دروس نظری جایگاه بالاتری از لحاظ اهمیت نسبت به دروس عملی داشتند. ضمناً دانش‌آموزان از نظر دوست داشتن، اولویت بالایی برای دروسی مانند هنر، صنعت، بازی‌ها و تربیت‌بدنی قائل بودند، ولی باز هم در مقایسه با دروس نظری اهمیت کمتری داشتند. هم‌چنین کولی و کمبر (۲۰۰۳) در پژوهش خود نشان دادند در بین سیزده درس، دانش‌آموزان دختر سال هفتم اولویت سوم را به

1. Shropshire
2. Ann colly & Chris comber
3. Information and communications technology (ICT)
4. Ryan et al.
5. Tomik
6. Arabaci
7. Obanya
8. Stables & Wikeley

درس تربیت بدنی داده‌اند. این درس در بین پسران سال هفتم اولویت اول را به خود اختصاص داده بود. همچنین دانش‌آموزان دختر و پسر سال یازدهم به ترتیب اولویت‌های هفتم و سوم را به این درس داده بودند.

مک کورن<sup>۱</sup> (۲۰۰۵) در بررسی برنامه درسی کشور انگلستان در سال ۲۰۰۲-۲۰۰۱، نشان داد که از میان چهارده درس، دانش‌آموزان درس تربیت بدنی را در اولویت نهم قرار دادند. این نتایج دوباره در سال ۲۰۰۳-۲۰۰۴ بررسی و همان رتبه تکرار شد. پژوهش اداره استانداردهای آموزشی انگلستان<sup>۲</sup> (۲۰۰۵) روی دانش‌آموزان دختر دبیرستانی نشان داد که درس تربیت بدنی از جنبه لذت لذت پس از دروس طراحی و تکنولوژی و هنر قرار گرفت. ضمناً ۷۶ درصد از دانش‌آموزان، درس تربیت بدنی را از لحاظ اهمیت پس از ریاضیات و علوم در رتبه سوم قرار دادند. هفتاد درصد دانش‌آموزان این درس را درسی آسان، ۶۸ درصد آن را مفید و ۷۳ درصد آن را جالب و سرگرم‌کننده می‌دانستند. در ایران نیز فقط آزمون (۱۳۸۹) به بررسی ادراک دانش‌آموزان دبستانی درباره اهمیت درس تربیت بدنی در مقابل سایر دروس مدرسه پرداخت و نشان داد که دانش‌آموزان دروس ریاضی و علوم را با اهمیت‌تر از درس تربیت بدنی می‌دانند. همچنین ادراک دانش‌آموزان دختر و پسر درباره اهمیت درس قرآن و تربیت بدنی مشابه و نسبت به درس فارسی و تربیت بدنی متفاوت بود.

مرور این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که اولویت درس تربیت بدنی بر اساس چند متغیر محدود و فقط از دیدگاه دانش‌آموزان انجام شده است و دیدگاه والدین بررسی نشده است. همچنین در بیشتر پژوهش‌ها موقعیت درس تربیت بدنی به‌طور مستقیم ارزیابی شده است که می‌تواند سبب جهت‌گیری دانش‌آموزان در پاسخ به سؤالات شده باشد. در پژوهش حاضر اولویت درس تربیت بدنی نسبت به دروس دیگر، هم از دیدگاه دانش‌آموزان به عنوان مخاطبان اصلی این درس و هم از دیدگاه والدین به مثابه مهم‌ترین الگوی رفتاری دانش‌آموزان با متغیرهای مختلفی بررسی شده است که می‌تواند جایگاه شفاف‌تری از این درس در مقایسه با سایر دروس مدرسه به ما نشان دهد. ضمناً آگاهی از نگرش و دیدگاه این دو گروه، علاوه بر پیش‌بینی شرکت یا عدم شرکت آن‌ها در فعالیت‌های جسمانی در زمان حال و آینده، ملاکی برای میزان بهره‌مندی دانش‌آموزان از فواید حاصل از شرکت در فعالیت‌های تربیت بدنی و ورزش مدرسه‌ای است.

### روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری پژوهش کل دانش‌آموزان مدارس دولتی دوره راهنمایی شهر رشت (۲۰۷۷۶ نفر) بودند (۹۹۲۷ پسر و ۱۰۸۴۹ دختر). نمونه‌گیری به روش

1. Mc Corn
2. Office for Standards in Education (OFSTED)

خوشه‌ای و تصادفی انجام گرفته است. طبق جدول کرجسی و مورگان، تعداد نمونه ۳۷۰ نفر تعیین و همین تعداد نمونه برای والدین نیز در نظر گرفته شد. ابتدا شهر رشت به پنج منطقه جغرافیایی تقسیم و از هر منطقه یک مدرسه دخترانه و یک مدرسه پسرانه به صورت تصادفی انتخاب شد. با توجه به احتمال افت آزمودنی‌ها، چهارصد دانش‌آموز و چهارصد نفر از والدین برای پاسخگویی به سؤالات پرسشنامه انتخاب شدند. با در نظر گرفتن تفاوت در نسبت دانش‌آموزان دختر و پسر جامعه آماری (۲۰۹ دختر و ۱۹۱ پسر) در مدارس دخترانه از هر مدرسه، ۴۲ دانش‌آموز و در هر پایه چهارده نفر و در مدارس پسرانه از هر مدرسه ۳۹ نفر و در هر پایه سیزده نفر به صورت تصادفی انتخاب شدند. از مجموع ۳۸۰ آزمودنی - که پرسشنامه‌ها را کامل کردند - ۱۷۶ نفر پسر و بقیه دختر بودند که نسبت جنسیت آن‌ها در پژوهش نزدیک به هم است. با توجه به این که کامل کردن پرسشنامه نیازمند حداقل تحصیلات دیپلم برای والدین بود، لیست والدین تحصیل کرده از اسناد مدارس استخراج و چهارصد نفر به صورت تصادفی انتخاب شدند. ضمناً این افراد جزء والدینی نبودند که فرزندان‌شان پرسشنامه را کامل کرده بودند.

در این پژوهش از پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شد. ایده اولیه پژوهش از بررسی مقاله اداره استانداردهای آموزشی کشور انگلستان (۲۰۰۵) شکل گرفت که در دبیرستان دخترانه‌ای انجام شده بود. پس از مطالعه مقالات و متون مرتبط و همچنین تجربیات آموزشی محققان در مدارس، تعداد هفتاد متغیر برای اولویت‌بندی دروس شناسایی شد. پرسشنامه اولیه برای بررسی قابل فهم و درک بودن در اختیار شصت نفر از والدین و شصت نفر از دانش‌آموزانی قرار گرفت که جزء نمونه آماری پژوهش نبودند. همچنین با بیست نفر از والدین و دانش‌آموزان مصاحبه شد و از نظرات آن‌ها استفاده شد. پس از بررسی پرسشنامه‌ها و حذف سؤالات نامفهوم، سی سؤال انتخاب شد. بخش اول پرسشنامه شامل ویژگی‌های جمعیت‌شناختی جنسیت و پایه تحصیلی بود. در بخش دوم از آزمودنی‌ها خواسته شد در مورد هر سؤال یا متغیر، پنج درس را به ترتیب و با رتبه یک تا پنج اولویت‌بندی کنند، رتبه یک بالاترین اولویت و رتبه پنج پایین‌ترین اولویت شناخته می‌شد. سپس به این رتبه‌ها امتیاز داده شد و در نهایت، امتیازات مربوط به هر درس برای سی سؤال با هم جمع شد و بر اساس امتیاز به دست آمده، ده درس در رتبه‌بندی آزمون‌های آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. بخش سوم به میزان فعالیت‌های ورزشی آزمودنی‌ها اختصاص داشت. در این پژوهش اولویت درس به مجموعه عوامل و متغیرهای آموزشی مرتبط با فرایندهای تدریس آن درس گفته شده است که دانش‌آموزان آن را تجربه و درباره احساسات و تجاربشان با والدین خود گفتگو کرده‌اند که شامل متغیرهای لذت، علاقه، اهمیت، مفید بودن و غیره بودند. درسی که از مجموع این متغیرها امتیاز بیشتری کسب می‌کرد، اولویت بهتری در میان سایر دروس دیگر داشت (مجموع امتیازات کل سؤالات پرسشنامه تعیین‌کننده اولویت هر درس بود).

برای تعیین روایی آزمون، ده نفر از استادان و ده نفر از دبیران تربیت بدنی در مورد جنبه‌های مختلف پرسشنامه اظهار نظر کردند و اشکالات موجود اصلاح شد. برای تعیین پایایی پرسشنامه از میان پرسشنامه‌های توزیع شده، سی پرسشنامه به صورت تصادفی انتخاب شد و با استفاده از آلفای کرونباخ، میزان ثبات درونی پرسشنامه  $r = 0/75$  به دست آمد.

پس از کسب مجوز برای توزیع پرسشنامه، در هر مدرسه و از بین هر پایه یک کلاس به صورت قرعه‌کشی انتخاب شد. دانش‌آموزان بر اساس شماره دفتر و به صورت تصافی انتخاب شدند. در توضیحات اولیه محقق، اشاره‌ای به درس تربیت بدنی نشد و تعیین اولویت دروس مختلف مدرسه به عنوان هدف پژوهش معرفی شد (برخلاف پژوهش‌های قبلی). مدت پاسخگویی به سؤالات پرسشنامه در حدود بیست دقیقه بود. در مورد پرسشنامه والدین، پس از مراجعه به مدرسه و دریافت فهرست والدین با تحصیلات بالاتر از دیپلم، پرسشنامه به فرزندان آنها تحویل داده شد و به آنها توضیح داده شد که از والدین خود بخواهند بدون مشورت با آنها، پرسشنامه‌ها را کامل کنند و روز بعد به مدرسه برگردانند. این افراد جزء دانش‌آموزانی نبودند که پرسشنامه‌ها را قبلاً کامل کرده بودند. برخی از پرسشنامه‌های والدین نیز با حضور خود والدین در مدرسه کامل شد. یافته‌های پژوهش با استفاده از برنامه کامپیوتری و نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۶ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. ضمناً نتایج آزمون کالموگراف- اسمیرنوف نشان داد که توزیع داده‌ها طبیعی نیست و بنابراین از آزمون فریدمن، یومن ویتنی و ویلکاکسون برای مقایسه گروه‌ها و از آزمون همبستگی اسپیرمن برای بررسی رابطه بین متغیرهای پژوهش در سطح  $p = 0/05$  استفاده شد.

#### یافته‌های پژوهش

مقایسه اولویت‌بندی دروس از دیدگاه آزمودنی‌های پژوهش نشان داد که درس تربیت بدنی (ورزش) در هیچ‌یک از اولویت‌های اول تا پنجم قرار نگرفته است. نتایج آزمون ویلکاکسون نیز نشان داد در اولویت‌بندی دروس تربیت بدنی (ورزش) با حرفه‌وفن و همچنین تربیت بدنی با دینی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد (جدول ۱). این تفاوت در بین دروس تربیت بدنی با ادبیات و همچنین تربیت بدنی با تاریخ و جغرافی معنی‌دار بود ( $p = 0/05$ ).

جدول ۱. اولویت‌بندی دروس از دیدگاه آزمودنی‌های پژوهش

میانگین رتبه	دروس
۷/۱۱	ریاضی
۷/۰۰	علوم
۶/۷۵	زبان
۵/۸۵	ادبیات
۵/۴۲	حرفه‌وفن
۵/۲۹	ورزش
۵/۱۴	دینی
۴/۴۰	تاریخ و جغرافی
۴/۰۴	عربی
۳/۹۹	هنر

مقایسه اولویت‌بندی دروس از دیدگاه دانش آموزان و والدین در جدول ۲ نشان می‌دهد درس تربیت‌بدنی به ترتیب در رتبه ششم و هفتم قرار گرفته است. نتایج آزمون ویلکاکسون نشان داد در اولویت‌بندی دروس، تفاوت معنی‌داری در رتبه دروس تربیت‌بدنی با حرفه‌وفن وجود ندارد. این تفاوت در بین دروس تربیت‌بدنی با ادبیات و همچنین تربیت‌بدنی با دینی معنی‌دار بود. در اولویت‌بندی دروس از دیدگاه والدین، تفاوت معنی‌داری در رتبه دروس تربیت‌بدنی با حرفه‌وفن و همچنین تربیت‌بدنی با دینی مشاهده نشد. این تفاوت در بین دروس تربیت‌بدنی با تاریخ و جغرافی و همچنین تربیت‌بدنی با ادبیات معنی‌دار بود (p = ۰/۰۵).

جدول ۲. مقایسه اولویت دروس از دیدگاه دانش آموزان و والدین

والدین			دانش آموزان		
میانگین رتبه	دروس	اولویت	میانگین رتبه	دروس	اولویت
۷/۰۲	ریاضی	۱	۷/۱۹	ریاضی	۱
۶/۸۸	علوم	۲	۷/۱۱	علوم	۲
۶/۸۶	زبان	۳	۶/۶۵	زبان	۳
۵/۹۶	ادبیات	۴	۵/۷۶	ادبیات	۴
۵/۴۴	دینی	۵	۵/۵۳	حرفه‌وفن	۵
۵/۲۹	حرفه‌وفن	۶	۵/۳۶	ورزش	۶
۵/۲۰	ورزش	۷	۴/۸۹	دینی	۷
۴/۱۸	تاریخ و جغرافی	۸	۴/۵۹	تاریخ و جغرافی	۸
۴/۰۹	عربی	۹	۴/۰۱	عربی	۹
۴/۰۸	هنر	۱۰	۳/۹۲	هنر	۱۰



با توجه به جدول ۳، نتایج آزمون یومن ویتنی نشان داد تفاوت معنی داری بین دیدگاه والدین و دانش آموزان درباره اولویت درس تربیت بدنی در میان سایر دروس وجود ندارد.

جدول ۳. اولویت درس تربیت بدنی در میان سایر دروس از دیدگاه والدین و دانش آموزان

متغیر	گروه	تعداد	میانگین رتبه	انحراف استاندارد	Z	معنی داری
اولویت درس تربیت بدنی	والدین	۳۲۵	۵/۲۰	۲/۷۹	-۰/۷۳۵	۰/۴۶۲
	دانش آموزان	۳۸۰	۵/۳۶	۲/۸۳		

مقایسه اولویت بندی دروس از دیدگاه دانش آموزان پسر و دختر (جدول ۴) نشان داد که دانش آموزان پسر رتبه بالاتری برای درس تربیت بدنی در نظر گرفته اند. نتایج آزمون ویلکاکسون نشان داد در اولویت بندی دروس از دیدگاه دانش آموزان پسر، تفاوت معنی داری بین دروس تربیت بدنی با حرفه و فن و همچنین تربیت بدنی با زبان وجود ندارد. این تفاوت در بین دروس تربیت بدنی با علوم و نیز تربیت بدنی با ادبیات معنی دار بود. در اولویت بندی دروس از دیدگاه دانش آموزان دختر، تفاوت معنی داری بین درس تربیت بدنی با دروس دینی، حرفه و فن، تاریخ و جغرافی، عربی و هنر وجود نداشت. این تفاوت بین درس تربیت بدنی با ادبیات معنی دار بود (p ۰/۰۵).

جدول ۴. مقایسه اولویت دروس از دیدگاه دانش آموزان پسر و دختر

دختر			پسر		
میانگین رتبه	دروس	اولویت	میانگین رتبه	دروس	اولویت
۷/۴۴	ریاضی	۱	۶/۹۱	ریاضی	۱
۷/۲۹	علوم	۲	۶/۸۹	علوم	۲
۷/۱۳	زبان	۳	۶/۷۳	حرفه و فن	۳
۶/۳۲	ادبیات	۴	۶/۲۸	ورزش	۴
۴/۹۲	دینی	۵	۶/۰۹	زبان	۵
۴/۵۷	ورزش	۶	۵/۱۱	ادبیات	۶
۴/۴۹	حرفه و فن	۷	۴/۸۵	دینی	۷
۴/۴۴	تاریخ و جغرافی	۸	۴/۷۷	تاریخ و جغرافی	۸
۴/۲۳	عربی	۹	۳/۷۵	عربی	۹
۴/۱۷	هنر	۱۰	۳/۶۳	هنر	۱۰

نتایج آزمون یومن ویتنی نشان داد بین دیدگاه دانش‌آموزان دختر و پسر درباره اولویت درس تربیت‌بدنی در میان سایر دروس تفاوت معنی‌داری وجود دارد. به عبارت دیگر، پسران اولویت بالاتر و بهتری برای این درس در نظر گرفته‌اند. همچنین نتایج آزمون کروسکال والیس نشان داد جایگاه این درس در بین پایه‌های تحصیلی، تفاوت معنی‌داری ندارد (جدول ۵).

جدول ۵. اولویت درس تربیت‌بدنی در میان سایر دروس از دیدگاه دانش‌آموزان دختر و پسر و بین پایه‌های تحصیلی

شاخص	گروه	تعداد	میانگین رتبه	انحراف استاندارد	Z	معنی‌داری
اولویت درس تربیت‌بدنی	دختر	۲۰۴	۴/۵۷	۲/۶۸	-۵/۹۵۹	۰/۰۰۱
	پسر	۱۷۶	۶/۲۸	۲/۶۴		
پایه اول پایه دوم پایه سوم	پایه اول	۱۳۴	۵/۲۸	۲/۷۶	۲/۴۹۰	۰/۲۸۸
	پایه دوم	۱۲۴	۵/۶۳	۲/۸۳		
	پایه سوم	۱۲۴	۵/۸۳	۲/۷۹		

میانگین فعالیت‌بدنی والدین، سیزده ساعت در هر ماه ( $M=13/17$ ,  $SD=15/28$ ) و میانگین فعالیت‌بدنی دانش‌آموزان شانزده ساعت در ماه ( $M=16/44$ ,  $SD=16/48$ ) و بسیار به هم نزدیک بود. با توجه به جدول ۶، نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن نشان داد که بین اولویت درس تربیت‌بدنی و میزان فعالیت‌های جسمانی والدین رابطه معنی‌داری وجود ندارد. نتایج این آزمون نشان داد که این رابطه در مورد دانش‌آموزان معنی‌دار است (ضریب همبستگی منفی به این دلیل است که رتبه، رکوردی پس‌رونده است، یعنی دانش‌آموزانی که فعالیت‌بدنی بیشتری داشتند، رتبه بهتری یا عدد کوچک‌تر و جایگاه مناسب‌تری برای این درس در نظر گرفته‌اند).

جدول ۶. رابطه اولویت درس تربیت‌بدنی و میزان فعالیت‌های جسمانی والدین و دانش‌آموزان

متغیر	گروه	ضریب همبستگی	تعداد	معنی‌داری
اولویت درس تربیت‌بدنی	والدین	-۰/۰۸۳	۳۲۵	۰/۱۳۷
	دانش‌آموزان	-۰/۱۶۸	۳۸۰	۰/۰۰۱

### بحث و نتیجه‌گیری

اولویت نسبتاً پایین درس تربیت‌بدنی (اولویت ششم از میان ده درس) در پژوهش حاضر با نتایج تحقیقات اصلانخانی و همکاران (۱۳۸۱)، کارلسون (۱۹۹۵)، و اللهبی (۲۰۰۸) همسو است. در مقابل با نتایج پژوهش‌های کوکا و همکاران (۲۰۰۵) و سابرامانیام و سیلورمن (۲۰۰۷) همخوانی ندارد. البته در این پژوهش‌ها فقط دیدگاه آزمودنی‌ها دربارهٔ چند متغیر محدود مانند علاقه و لذت و توجه یا به‌طور مستقیم نگرش آن‌ها نسبت به درس تربیت‌بدنی بررسی شده بود، در صورتی که اگر متغیرهای دیگری برای اولویت‌بندی دروس مانند مفید بودن یا ارتباط با آیندهٔ شغلی یا تحصیلی و میزان تشویق والدین مورد سؤال قرار می‌گرفت، نتایج اولویت‌بندی نیز متفاوت می‌شد. تفاوت بین اولویت ششم درس تربیت‌بدنی با اولویت پنجم درس حرفه‌وفن و اولویت هفتم درس دینی معنی‌دار نبود و این نتیجه نشان می‌دهد که اولویت این درس می‌تواند بین اولویت پنج تا هفت متغیر باشد، در صورتی که نسبت به درس تاریخ و جغرافی، عربی و هنر در جایگاه بهتری قرار دارد.

با وجود این، اولویت نسبتاً پایین درس تربیت‌بدنی نسبت به چهار درس ریاضی، علوم، زبان انگلیسی و ادبیات فارسی از چند جنبه طبیعی به نظر می‌رسد. نخست اینکه از دورهٔ ابتدایی - که دوران شکل‌گیری شخصیت، علائق و به‌ویژه نگرش‌های آموزشی و درسی است - بر این دروس تأکید بسیاری می‌شود. حتی بسیاری از دانش‌آموزان شهری (مانند نمونهٔ همین پژوهش) در دورهٔ پیش‌دبستان آموزش زبان را شروع کرده‌اند. نبود معلم متخصص و برنامهٔ ویژهٔ تربیت‌بدنی در دورهٔ ابتدایی ممکن است بر نگرش دانش‌آموزان و والدین (جدول ۱) نسبت به این درس در دوره‌های آینده و در نتیجه اولویت‌بندی آن اثرگذار باشد. به‌نظر می‌رسد معلمان عمومی دورهٔ ابتدایی، نه فقط تخصص و تعهد حرفه‌ای لازم را در این درس ندارند، بلکه ممکن است عملکرد تحصیلی دانش‌آموز در دیگر دروس بر تعامل و رفتار او در کلاس تربیت‌بدنی اثرگذار باشد. در صورتی که ماهیت این درس متفاوت است و به قابلیت‌ها و توانایی‌های غیرمرتبط با دروس دیگری نیاز دارد. حتی ممکن است این درس رها شده و بی‌برنامه باشد.

مقطع راهنمایی نیز دورهٔ شکل‌گیری هویت جنسیتی و به‌ویژه هویت شغلی است. در این دوره اهمیت دروس مرتبط با آیندهٔ تحصیلی و شغلی بیشتر می‌شود. موفقیت در این دروس نه فقط با پاداش‌ها و حمایت‌های والدین و مسئولان مدرسه همراه است، بلکه همان‌طور که محققانی مانند کارلسون (۱۹۹۵) و استابلز و ویکیلی (۱۹۹۷) بیان کرده‌اند، این دروس در هویت شغلی آن‌ها تعیین‌کننده است و این موضوع در کشور ما نیز تقریباً از طریق پذیرش در دانشگاه‌ها، نبود فرصت‌های کار و اشتغال و فرهنگ ادامه تحصیل تقویت می‌شود. البته ممکن است در سال‌های آتی

با افزایش تعداد و ظرفیت دانشگاه‌ها دانش‌آموزان فرصت بیشتری برای فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی یا هنری داشته باشند.

هم‌چنین می‌توان این اولویت نسبتاً پایین را از زاویه دیگری بررسی کرد و آن اینکه دروسی که زمان کمتری در برنامه درسی به خود اختصاص داده‌اند به‌طور ناخودآگاه اهمیت کمتری نسبت به سایر دروس پیدا می‌کنند. بررسی‌های ترنر<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) نیز نشان می‌دهد دانش‌آموزان بین تعداد دفعاتی که در هفته به دروس اختصاص داده می‌شود و اهمیت آن درس در جدول برنامه درسی پیوند مستقیمی برقرار کنند، در نتیجه دروس پایه مانند ریاضی و علوم از نظر دانش‌آموزان دروسی مهم و مفید به نظر می‌رسند. هم‌چنین هندلی و همکاران (۱۹۹۶) در پژوهش خود به این موضوع اشاره کرده‌اند و دروسی هم‌چون موسیقی و آموزش‌های مذهبی که زمان کمتری در برنامه هفتگی دانش‌آموزان داشتند، از اولویت پایین‌تری داشتند. این موضوع در کشور ما نیز با اختصاص ساعات بیشتر به دروس پایه و زمان کمتر به درس تربیت‌بدنی مشاهده می‌شود و اخیراً با کم شدن ساعت درس تربیت‌بدنی در پایه سوم دبیرستان از دو ساعت به یک ساعت در هفته، اهمیت بیشتری پیدا کرده است. به نظر می‌رسد آثار مفید این درس در افزایش کارایی دروس نظری و تغییرات مثبت در رفتارهای سالم دانش‌آموزان، اختصاص زمان بیشتری در برنامه درسی مدارس را می‌طلبد.

در پژوهش‌هایی که به‌طور مستقیم به اولویت‌بندی دروس مدرسه پرداخته‌اند، یافته‌های این پژوهش با نتایج تحقیقات اوبانیا (۱۹۷۷)، استابلز و ویکیلی (۱۹۹۷)، مک کورن (۲۰۰۵)، هم‌چنین با برخی از نتایج پژوهش آزمون (۱۳۸۹) همسو بود که در آن آزمودنی‌ها دروس ریاضی و علوم را بااهمیت‌تر می‌دانستند. نتایج این پژوهش با برخی نتایج پژوهش‌های کولی و همکاران (۲۰۰۳) و اداره استانداردهای آموزشی (۲۰۰۵) همخوانی نداشت. البته در تحقیق کولی و همکاران (۲۰۰۳)، دانش‌آموزان دختر و پسر سال یازدهم، به‌ترتیب اولویت هفتم و سوم را برای درس تربیت‌بدنی در نظر گرفته بودند که به اولویت ششم دختران و چهارم پسران در پژوهش حاضر بسیار نزدیک است. شاید بتوان همسو نبودن برخی از نتایج این پژوهش‌ها با نتایج پژوهش حاضر را به مجموعه‌ای از متغیرهای آموزشی و درسی نسبت داد که در این پژوهش جایگاه یک درس را تعیین می‌کند. از طرف دیگر، تنوع بسیاری در فعالیت‌های کلاس تربیت‌بدنی مانند انواع رشته‌های ورزشی به‌صورت انتخابی در کشورهای دیگر و بر خلاف کشور ما وجود دارد. وجود چند رشته ورزشی محدود در مدارس کشور سبب شده است نیازهای دانش‌آموزان به‌طور کامل برآورده نشود و اهمیتی به این درس ندهند. جی لیندا و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) نیز در تحقیق خود نشان دادند دانش‌آموزان دبیرستانی به تنوع بیشتر در فعالیت‌های کلاس، افزایش ایجاد رقابت و افزایش انگیزه برای مشارکت

1. Turner

2. G Linda et al.

در فعالیت‌های خارج از مدرسه اهمیت می‌دهند. همچنین دانش‌آموزان رابطه‌ای بین محتوای درس تربیت‌بدنی و خودپنداره تحصیلی نمی‌بینند یا آگاهی‌ها و اطلاعات علمی موجود در این درس را کسب نمی‌کنند و حتی اگر تعداد معدودی از دانش‌آموزان در این زمینه اطلاعات و آگاهی‌هایی هم داشته باشند، این اطلاعات به‌صورت نظام‌مند و در برنامه‌ی درسی مدون ارائه نمی‌شود. به عبارت بهتر، خودپنداره‌ی بدنی یا حرکتی و ورزشی دانش‌آموزان اهمیت کمتری در مدرسه و خانه دارد.

اولویت نزدیک درس تربیت‌بدنی از دیدگاه والدین (اولویت ۷) و فرزندان (اولویت ۶) که معنی‌دار هم نبود، نقش مهم والدین را در جهت‌گیری نگرش فرزندان نسبت به دروس مختلف نشان می‌دهد. البته این والدین هیچ رابطه‌ای با نمونه‌ی دانش‌آموزان نداشتند، ولی ممکن است برخی از والدین با فرزندان خود مشورت کرده باشند. با وجود این، آنچه در بیشتر پژوهش‌ها به چشم می‌خورد، عدم آگاهی والدین از فواید این درس و کم‌اهمیت تلقی کردن آن نسبت به سایر دروس مدرسه است (اسماعیلی، ۱۳۸۳؛ رضائی نژاد، ۱۳۸۵).

بررسی یافته‌های پژوهش نشان داد تفاوت معنی‌داری بین دیدگاه دانش‌آموزان پسر (اولویت چهارم) و دختر (اولویت ششم) درباره‌ی اولویت درس تربیت‌بدنی وجود دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های هندلی و همکاران (۱۹۹۶)، استابلز و ویکلی (۱۹۹۷)، کولی و همکاران (۲۰۰۳)، مک‌کورن (۲۰۰۵) و آراباسی (۲۰۰۹) همسو است و با اولویت‌بندی دروس در سال اول تحقیق اوپانیا (۱۹۷۷) همخوانی ندارد. به نظر می‌رسد با توجه به شکل‌گیری هویت جنسیتی و نقش‌های مربوط به آن، پسران، فعالیت‌های ورزشی را بیشتر مناسب نقش مردانه و اجتماعی خود می‌دانند. ضمناً شرایط فرهنگی و اجتماعی یا تفکرات قالبی نسبت به نقش‌های دختران در آینده بر اولویت نسبتاً پایین درس تربیت‌بدنی از دیدگاه دانش‌آموزان دختر مؤثر است. این موضوع در پژوهش‌های گورنا (۲۰۰۱)، سومینسکی و همکاران (۲۰۰۲)، کوکا و همکاران (۲۰۰۵) تأیید شده است (به نقل از تومیک، ۲۰۰۹). البته احتمالاً موانع مختلفی مانند نبود حمایت‌های اجتماعی، بلوغ، محیط رقابتی ورزش - که با روحیه‌ی دختران سازگاری کمتری دارد - و کمبود امکانات و فضای مناسب برای تمرین باعث شده است دخترها علاقه‌ی کمتری به فعالیت‌های جسمانی از خود نشان دهند.

یافته‌های پژوهش نشان داد بین اولویت درس تربیت‌بدنی از دیدگاه دانش‌آموزان پایه‌های مختلف تحصیلی، تفاوت معنی‌داری وجود نداشت که با نتایج پژوهش‌های راین و همکاران (۲۰۰۳)، پژوهش اداره‌ی استانداردهای آموزشی انگلستان (۲۰۰۵)، ساپرامانیام و سیلورمن (۲۰۰۷)، تومیک (۲۰۰۸) و آراباسی (۲۰۰۹) همخوانی نداشت. بیشتر این پژوهش‌ها نگرش دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی را با دبیرستان مقایسه کرده بودند که این تغییر نگرش از دوره‌ی به دوره‌ی دیگر کاملاً محسوس بود. شاید نبود تفاوت معنی‌دار در نگرش دانش‌آموزان پایه‌های مختلف به این دلیل است که تفاوت سنی زیادی میان سه پایه وجود ندارد. به‌طور کلی، تحولات فکری و نگرشی را می‌توان

در مقطع دبیرستان مشاهده کرد و شاید با توجه به مطالب مذکور، جایگاه این درس در مقطع متوسطه نیز پایین‌تر باشد. با وجود این، پژوهش‌های بیشتر در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد. یافته‌های پژوهش نشان داد رابطه معنی‌داری بین میزان فعالیت جسمانی دانش‌آموزان و اولویت درس تربیت‌بدنی وجود دارد که این یافته با نتایج پژوهش‌های کوکا و همکاران (۲۰۰۵) و تومیک (۲۰۰۸) همسو است. اگرچه در این پژوهش رابطه نگرش و فعالیت‌بدنی والدین با نگرش و فعالیت‌بدنی فرزندانشان بررسی نشده است، ولی رابطه معنی‌دار بین میزان فعالیت جسمانی دانش‌آموزان و اولویت درس تربیت‌بدنی نشان می‌دهد که به‌طور طبیعی دانش‌آموزان فعال حرکتی و ورزشی اولویت بالایی برای درس تربیت‌بدنی در نظر می‌گیرند. البته این اولویت نسبت به دیگر دروس نسبتاً پایین است، ولی به‌طور کلی تجارب خوشایند و لذت بخش در فعالیت‌های جسمانی و تعامل با گروه همسالان، موجب نگرش مناسبی نسبت به این درس می‌شود. شاید همین موضوع در آینده با جذب معلمان جدیدالاستخدام در مقطع ابتدایی و تأکید بر آموزش برخی واحدهای درسی مانند شنا، حرکات زمینی ژیمناستیک و طناب زدن اتفاق بیفتد و این درس جایگاه مناسبی در نزد والدین، مسئولان و دانش‌آموزان پیدا کند.

نتایج این پژوهش نشان داد بین اولویت درس تربیت‌بدنی و میزان فعالیت‌های جسمانی والدین رابطه معنی‌داری وجود ندارد. به نظر می‌رسد میانگین ۱۳/۱۷ ساعت فعالیت جسمانی در ماه برای والدین می‌تواند تا حدودی قابل قبول باشد، اما اینکه در اولویت‌بندی دروس، اولویت هفتم را برای درس تربیت‌بدنی در نظر گرفته‌اند، جای تأمل دارد. در مصاحبه‌هایی که با تعدادی از والدین انجام گرفت، مشخص شد که نبود امکانات کافی در ساعت درس تربیت‌بدنی، بروز آسیب‌دیدگی، عدم توجه معلم ورزش به دانش‌آموزان، پایین بودن سطح آموزش و لطمه به سایر دروس از جمله مواردی بودند که موجب نگرش نامطلوب آن‌ها نسبت به این درس می‌شد. همچنین آن‌ها انجام فعالیت‌های جسمانی را برای فرزندان خود در خارج از محیط مدرسه و در باشگاه‌های ورزشی مناسب‌تر می‌دانستند. شاید پیشرفت ورزشی فرزندان در باشگاه‌ها برای والدین بیشتر قابل لمس باشد، اما آنچه که والدین از آن غافل هستند مشارکت، همکاری و مهارت‌های اجتماعی است که دانش‌آموزان در کنار هم‌کلاسی‌های خود در ساعت درس تربیت‌بدنی مدرسه کسب می‌کنند. حال آنکه تأکید بر برد و باخت و مدل رقابتی - که در باشگاه‌ها دیده می‌شود- این فرصت را به دانش‌آموزان نمی‌دهد. با وجود این، شرکت والدین در فعالیت‌های جسمانی منظم علاوه بر منافع بی‌شماری که برای خود آن‌ها دارد، باعث می‌شود که کودکان نیز به اهمیت چنین فعالیت‌هایی پی‌برند و به شرکت در این فعالیت‌ها ترغیب شوند.

به‌طور کلی دروس پایه مانند ریاضی، علوم و زبان به‌دلیل توجه و اهمیت بیشتر افراد جامعه، نقش آن‌ها در مسیر آینده شغلی و موارد بسیار دیگر در اولویت بالایی قرار دارند و چنین انتظاری

وجود ندارد که درس تربیت‌بدنی باید جانشین اهمیت و اولویت آن‌ها شود، بلکه همین اولویت نیز امیدوارکننده است که مدرسه و خانه باید امکانات و شرایط لازم را برای آن فراهم کنند. به عبارت بهتر، مهم این است که والدین و نظام آموزشی، امکانات و فرصت‌های متناسب با این اولویت را در داخل و خارج مدرسه فراهم کنند. البته شاید بتوان بر اساس الگوی تغییر دانش-نگرش-رفتار و با ارائه آگاهی‌ها، تشریح اهداف، برنامه‌ها و فواید درس تربیت‌بدنی برای والدین در درازمدت سبب تغییر نگرش آن‌ها نسبت به این درس شد. هم‌چنین می‌توان با فراهم آوردن محیطی راحت و لذت‌بخش و فارغ از تنش به همراه فعالیت‌هایی جالب و سرگرم‌کننده و متناسب با خواست و علایق دانش‌آموزان، خصوصاً دانش‌آموزان دختر را برای انجام فعالیت‌های جسمانی و حضور فعال در کلاس تربیت‌بدنی تشویق کرد. شاید تغییر در برنامه‌های درس تربیت‌بدنی و اضافه کردن ورزش‌هایی که در آن به ظرفیت‌های ویژه احساسی و ادراکی دختران توجه شود، سبب تغییر در نگرش این گروه از دانش‌آموزان شود. البته نگرش دانش‌آموزان به ورزش ممکن است با نگرش آن‌ها نسبت به درس تربیت‌بدنی متفاوت باشد، به هر حال این موضوع به تحقیقات بیشتری نیاز دارد.

### منابع

- آزمون، جواد (۱۳۸۹). مقایسه ادراک دانش‌آموزان دختر و پسر ایرانی از تربیت‌بدنی و ورزش مدرسه‌ای، نشریه المپیک، سال هجدهم، شماره ۳، صص ۹۵-۱۰۸.
- اسماعیلی، محمدرضا (۱۳۸۳). مطالعه تطبیقی برنامه درس تربیت‌بدنی دوره ابتدایی ایران با کشورهای منتخب جهان و ارائه الگو، رساله دکتری، دانشکده تربیت‌بدنی، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- اصلانخانی، محمدعلی؛ فتحی و اجارگاه، کوروش، قلعه نوعی، علی‌رضا (۱۳۸۱). مقایسه دیدگاه‌های مدیران و معلمان تربیت‌بدنی و دانش‌آموزان درباره جایگاه و وضعیت کمی و کیفی اجرای درس تربیت‌بدنی در مدارس راهنمایی و متوسطه، نشریه حرکت، شماره ۱۲، صص ۵-۱۷.
- افضل‌پور، محمد اسماعیل؛ زرنگ، محمود؛ خوشبختی، جعفر (۱۳۸۶). ارزشیابی وضعیت اجرای درس تربیت‌بدنی در پایه‌های اول و دوم مدارس ابتدایی خراسان جنوبی، نشریه پژوهش در علوم ورزشی، شماره ۱۶، صص ۱۰۷-۱۲۵.
- انوشه، سروناز (۱۳۸۶). بررسی دیدگاه اولیای دانش‌آموزان مدارس ابتدایی شهر تهران نسبت به وضعیت فعلی درس تربیت‌بدنی و ورزش، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- خاوری، لیلا؛ یوسفیان، جواد (۱۳۸۷). بررسی وضعیت اجرای درس تربیت‌بدنی در مدارس راهنمایی و متوسطه استان یزد، نشریه پژوهش در علوم ورزشی، شماره ۱۸، صص ۸۷-۱۰۰.
- رضائی نژاد، رحیم (۱۳۸۵). مقایسه اهداف اختصاصی درس تربیت‌بدنی و ورزش از دیدگاه متخصصان، معلمان، دانش‌آموزان و والدین کشور، نشریه علوم حرکتی، شماره ۱۶، صص ۱-۱۴.
- رضائی نژاد، رحیم؛ همتی نژاد، مهرعلی؛ بنار، نوشین (۱۳۸۱). بررسی هدف دانش‌آموزان از فعالیت در کلاس‌های تربیت‌بدنی و ورزش، نشریه حرکت، شماره ۱۷، صص ۱۰۷-۱۲۲.
- رضائی نژاد، رحیم؛ همتی نژاد، مهرعلی؛ مالکی گندمانی، غلامرضا (۱۳۸۲). بررسی مشکلات مدیریت کلاس‌های تربیت‌بدنی از دیدگاه معلمان، نشریه المپیک، سال یازدهم، شماره ۳ و ۴، صص ۴۱-۵۰.

- شعبانی‌بهار، غلامرضا؛ عرفانی، نصرا...؛ بختیار، زهرا (۱۳۸۶). *نظرسنجی و نیازسنجی از دانش‌آموزان در خصوص درس تربیت‌بدنی در مدارس متوسطه شهرستان ملایر*، نشریه حرکت، شماره ۳۳، صص ۱۵۳-۱۶۴.
- صانعی‌فرد، سکینه؛ کاشف، میرمحمد؛ محرم‌زاده، مهرداد (۱۳۸۶). *بررسی و مقایسه اهمیت و وضعیت اجرایی درس تربیت‌بدنی از دیدگاه مدیران و دبیران تربیت‌بدنی مدارس متوسطه دولتی شهرستان ارومیه*، پژوهشنامه علوم ورزشی، سال سوم، شماره ۶، صص ۲۷-۴۴.
- قاسم‌پور، طاهره؛ رضوی، سیدمحمد حسین (۱۳۸۸). *بررسی دیدگاه اولیای دانش‌آموزان مدارس ابتدایی شهرستان ساری نسبت به وضعیت فعلی درس تربیت‌بدنی و ورزش*، پژوهشنامه مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی، سال پنجم، شماره ۹، صص ۳۱-۴۱.
- هاردمن، کن؛ مارشال، جو (۱۳۸۲). *درس تربیت‌بدنی در مدرسه‌های جهان (مجموعه مقالات)*، گزینش و ترجمه جواد آزمون، انتشارات دفتر تحقیقات و توسعه معاونت تربیت‌بدنی و تندرستی وزارت آموزش و پرورش.

- AL-Liheibi, A.H.N (2008). *Middle and high school students' attitudes toward physical education in Saudi Arabia*, A dissertation submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy, University of Arkansas.
- Arabaci, R (2009). *Attitude toward physical education and class preferences of Turkish secondary and high school students*, Elementary Education Online, 8(1): 2-8.
- Carlson, T.B (1995). *We hate gym: student alienation from physical education*, Journal of Teaching in Physical Education, 14(4): 467-477.
- Colley, A., Comber, C (2003). *School subject preferences: age and gender differences revisited*, Educational Studies, 29(1): 59-67.
- G Linda, R., Dominique, B (2006). *High school student attitudes about physical education*, Sport Education and Society, 11(4): 385-400.
- Hendley, D., Stables, S., Stables., A (1996). *Pupils' preferences at key stage 3 in south Wales*, Educational Studies, 22(2): 177-186.
- Koca, C., Hiilya, F., Demirhan, G (2005). *Attitudes toward physical education and class preferences of turkish adolescents in terms of school gender composition*, Academic Journal Article from Adolescence, 40(158): 365-375.
- McCrone, T., Morris, M., Walker, M (2005). *Pupil choices at key stage 3*, Literature Review, National Foundation for Educational Research (NFER).
- Obanya, P (1977). *A longitudinal study of the school subject preferences of a group of Nigerian adolescents*, Journal of Negro Education Ibid.
- Office for Standards in Education [OFSTED] (2005). *Specialist schools: a second evaluation, girl's perception of physical education at key stage 3 at earlham high school*, London: HMSO.
- Omar-Fauzee, M (2009). *College students perception on physical education classes during their high school days*, European Journal of Social Sciences, 7(4): 69-76.
- Ryan, S., Fleming, D., Maina, M (2003). *Attitudes of middle school students toward their physical education teachers and classes*, The Physical Educator, 60: 28-42.
- Stables, A., Wikeley, F (1997). *Change in preference for and perceptions of relative importance of subjects during a period of educational reform*, Educational Studies, 23(3): 393-403.
- Stewart, M.J., Green, S.R., Huelskamp, J (1991). *Secondary student attitudes toward physical education*, The Physical Educator, 48: 72-79.



- Subramaniam, P.R., Silverman, S (2007). *Middle school student's attitude toward physical education*, Teaching and Teacher Education, 23(5): 602-611.
- Turner, A (2003). *The attitude of high school pupils to technology*, Unpublished Thesis, University of Huddersfield.
- Tomik, R (2008). *Adolescent Attitudes towards Sport Depending on School Level, Gender and School Sports Club Membership*, Journal of Human Kinetics, 20: 121-130.

Archive of SID

## Survey of Physical Education Lesson Preferences Among Secondary School Courses

Hozhabri K.<sup>1\*</sup>, Ramezani-nejad R.<sup>2</sup>, Hemmati-nejad M.<sup>3</sup>

<sup>1</sup>M.A, Sports Management, <sup>2</sup>Professor, University of Guilan

<sup>3</sup>Associate Professor, University of Guilan

Received: 11 April 2013

Accepted: 16 September 2013

### Abstract

**Objective:** The purpose of this study was to survey Physical Education (P.E) lesson preferences among other secondary school courses.

**Methodology:** The present study's population was all of the girls and boys who attended middle schools of Rasht (20776) and their parents. The sample of the study were 400 students (191 boys and 209 girls) and 400 parents who were selected randomly. The instrument was a researcher-made questionnaire including 70 questions that decreased to 30 questions after interviewing and applying expert opinions of 10 university professors and 10 experienced teachers. Cronbach's Alpha coefficient was used to test the reliability of this study ( $\alpha = 0.75$ ). The data were analyzed by the U Mann-Whitney, the Wilcoxon, the Friedman, and the Spearman correlation coefficient test at the level of  $p < 0.05$ .

**Results:** The results showed that students and parents ranked P.E in sixth and seventh order, respectively. Male and female students ranked P.E in fourth and sixth order, respectively. There was no significant difference in P.E status between students and parents perspective; however, there was significant difference between male and female student's opinions. Also, there was no significant difference in P.E status among different grades.

**Conclusion:** Physical education lesson has partly weak situation among other subjects from parents and girls students' perspective; it is necessary to explain P.E plans and goals for parents and provide appropriate and enjoyable environment without pressure and with fun activities according to the wishes and interests of girl students.

**Keywords:** Subject preferences, Pupil choices, Physical education status.

\*E-mail: Kazem\_hojabr@yahoo.com